

## طلیعه سخن

زیارت، رابطه‌ای عاطفی و پیوندی قلبی میان «زائر» و «مَزور» است. وادی زیارت، پیش از آن که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبۀ درون است. زائر اگر زیارت شونده را بشناسد، دیگر نمی‌پرسد که کجاست؛ بلکه به راه می‌افتد و هم‌چون خضر به دنبال آب حیات و چون موسی علیه السلام در پی «عبد صالح» روان می‌گردد، تا برسد؛ بیابد؛ بهره برگیرد و کامیاب شود. این جا «دل» است که فرمان می‌دهد و گام‌های زائر، به فرمان عشق و ارادت، راه می‌پوید.

آن چه زائر را به پیمودن راه و تحمل رنج سفر و استقبال از خوف و خطر وامی‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. شوق، انسان در گل مانده را حرکت می‌بخشد و ساکن را «مهاجر» می‌کند. عشق، معلم انسان و معمار جهان است. عشق، آباد کننده دل است و تحمل را می‌افزاید. معشوق برین و محبوب راستین در فرهنگ دینی، خدا و رسول و ائمه معصومین و پاکمردان و صدیقان و شهیدانند که لایق محبتند، و همین محبت و دلدادگی است که به هم‌رنگی و هم‌سویی و سنخیت یافتن و حرکت در جهت معشوق و دلدار می‌انجامد.

اگر محبت آمد، طاعت و تبعیت و همراهی هم در پی آن است. آن که عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می‌رود. زیارت، دلیل و برهان نمی‌خواهد؛ چه برهانی استوارتر از محبت؟!

چگونه می‌شود دوستدار پیامبر و اهل بیت و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیای خدا بود و شوق دیدارشان یا زیارت مزارشان یا دیدن رد پا و نشان از کویشان نداشت؟!

زیارت، جلوه‌ای از شوق درونی انسان است. زیارت، ترجمان عشق و شیدایی قلب است. برای عاشق، حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، یا کوچه‌ای که روزی محبوب از آن گذشته، یا زمینی که بر آن گام نهاده و شهری که در آن زیسته، دلربا و جاذب و شوق‌انگیز است.

از دیگر سوی، دیدار و زیارت، معرفت را می‌افزاید؛ محبت را ریشه‌دارتر می‌کند و قرب مادی، موجب قرب معنوی می‌گردد. آن گاه که انسان در مدار عشق و قلمرو محبت اولیای الهی قرار گرفت، این محبت، راه‌گشا، هدایت‌گر و حرکت‌آفرین است و وقتی این جذبۀ و محبت، به زیارت انجامید، خود دیدار، زمینه‌ساز ارتقای روحی است. زیارت، الهام گرفتن از اسوه‌هاست؛ تعظیم شعائر و تقدیر از فداکاری‌ها و پاکی‌هاست؛ زمینه‌ساز شناخت و تربیت است.

وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی که متعلق به شافعی بوده است را می‌شوید و آب آن را می‌نوشت تا از مقام علم تجلیل کرده باشد، پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و امامان و بوسه زدن بر بارگاه امام معصوم و حجت الهی جای خود دارد.

زیارت، دل را به حضور پیشوای معصوم بردن، دل را در دیداری عاشقانه و با «خشوع قلب» و «خضوع تن»، تسلیم حجت خدا کردن و دیدار مزار، با پای دل ره سپردن و با بال عشق پرواز کردن و بر موج عرفان نشستن و به اوج پیوند رسیدن است.

اینها نه تعبیری خیالی و شاعرانه، بلکه حقایقی از زیارت است که اگر «عارفاً بحقه» باشد، زائر نشسته بر محمل شوق و در کاروان اشک، از «قال» می‌گذرد و به «حال» می‌رسد؛ و گرنه، زیارتی جز این‌گونه، تنها حضور «تن» است و غیبت «جان».

زیارت، گواه ارادت و زمینه‌ساز طهارت روح و توبه از بدی‌ها و گناهان و برگزیدن راهی به سوی پاکی‌ها و گشودن پنجره‌ای است به سوی نور. «زیارت»، فرهنگ اهل بیت و تعلیم رسول خدا و امامان به امت و بخشی از فرهنگ دینی است.

فرهنگ زیارت

